

جستاری بر دسترسی به دادرسی عادلانه در دیوان داورى ورزش

(مقاله علمى - پژوهشى)

على مسعودى لمراسكى *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸

چکیده

دیوان داورى ورزش که با ایده «دیوان لاهه ورزش» در سال ۱۹۸۴ توسط کمیته بین‌المللى المپیک تأسیس شد، در حال حاضر به صورت سالانه پذیرای حدود ۶۰۰ قضیه است. این نهاد، همان‌طور که مؤسسان آن اراده کرده بودند، روند جهانی شدن را تا حدود زیادی طی کرده و تبدیل به نهادی شده است که آرای صادره توسط آن می‌تواند مورد استناد جامعه بین‌المللى ورزش قرار گیرد. ساختار و قواعد رسیدگی دیوان داورى ورزش طی چهار دهه حیات آن اصلاحات متعددی به خود دیده، با این حال، مسائل و تضامین مرتبط با عدالت رویه‌ای و دادرسی عادلانه، همچون اجبار ورزشکاران به پذیرش صلاحیت دیوان، برگزاری علنی رسیدگی‌ها، انتشار منظم و به‌روز احکام صادره و مهم‌تر از آن، استقلال و بی‌طرفی همواره در زمره چالش‌های پیش‌روی این نهاد داورى بوده است. این جستار با تحلیل اجمالی حقوقی مبانی لزوم رعایت تضامین رویه‌ای توسط دیوان داورى ورزش، به بررسی میزان رعایت این تضامین توسط دیوان پرداخته، چنین نتیجه خواهد گرفت که این نهاد داورى در زمینه رعایت استانداردهای مذکور دارای ضعف‌های جدی است.

کلیدواژگان:

دیوان داورى ورزش، عدالت رویه‌ای، دادرسی عادلانه، استقلال و بی‌طرفی، رسیدگی‌های علنی.

* دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

دیوان داوری ورزش نزدیک به ۱۰۰ سال پس از تشکیل کمیته بین‌المللی المپیک^۱ و برگزاری اولین دوره از مسابقات المپیک،^۲ در سال ۱۹۸۴ در شهر لوزان کشور سوئیس آغاز به کار کرد. دیوان در شرایطی با ایده «دیوان عالی جهانی» یا «دیوان لاهه» ورزش تأسیس شد^۳ که ورزشکاران دعاوی متعددی علیه نهادهای ورزشی، از جمله کمیته بین‌المللی المپیک، در محاکم داخلی کشورها طرح کرده بودند؛^۴ دعاوی سنگینی که در صورت موفقیت، ورشکستگی این نهادها را در پی می‌داشت.^۵ این مسئله، در کنار فقدان نهادی مستقل که قادر باشد با سرعت و انعطاف بالا و هزینه اندک به اختلافات ورزشی بین‌المللی رسیدگی کند، نهادهای ورزشی، بالخصوص کمیته بین‌المللی المپیک را به سمت تأسیس دادگاهی سوق داد که ضمن ممانعت از دخالت محاکم داخلی در تصمیمات این نهادها و ایجاد مصونیت در برابر دادگاه‌های داخلی، با خصوصیات دنیای ورزش نیز سازگار باشد.^۶

دیوان داوری ورزش، همان‌طور که مؤسسان آن اراده کرده بودند، روند جهانی‌شدن را تا حد زیادی طی کرده و به مرجعی قابل‌اتکا در جامعه بین‌المللی ورزش تبدیل شده است.^۷ دیوان تا سال ۲۰۱۶ پذیرای ۵۰۵۷ درخواست رسیدگی بدوی، تجدیدنظر و صدور نظر مشورتی بوده^۸ و هم‌اکنون پذیرای حدود ۶۰۰ قضیه در سال است.^۹

دیوان طی چهار دهه حیات خود با اعتراضات مختلفی مواجه و ساختار و قواعد آن در پاسخ به این چالش‌ها، دستخوش تحولات و اصلاحات متعددی شده‌است. یکی از مهم‌ترین این

1. International Olympic Committee (“IOC”).

2. Nafzinger, James A.R., *International Sports Law*, 2nd Edition, New York: Transnational, 2004, p. 21.

3. Blackshaw, Ian, “ADR and Sport: Settling Disputes Through the CAS, the FIFA DRC, and the WIPO Arbitration & Mediation Center”, *MSLR*, Vol. 24, 2013, p. 1.

4. Hasler, Erika, “Back to the Future: The First CAS Arbitrators on CAS’s First Award and Its Evolutions Since then”, in: Duval, Antonie and Antonio Rigozzi (eds.), *YISA 2016*, The Hague: TMC, 2018, p. 7.

5. See Rigozzi, Antonio, *L’arbitrage international en matière de sport*, Basel: Helbing, 2005, pp. 216-250.

6. Raber, Nancy, “Dispute Resolution in Olympic Sport: The CAS”, *SHJSL*, Vol. 8, No. 1, 1998, pp 77-78.

7. Blackshaw, Ian, “CAS 92/A/63 GUNDEL v FEI”, in: Anderson, Jack (ed.), *Leading Cases in Sports Law*, The Hague: TMC, 2013, p. 74.

8. https://www.tas-cas.org/fileadmin/user_upload/CAS_statistics_2016_.pdf (accessed August 2020).

9. CAS, *CAS Public Hearing - WADA v. Sun Yang & FINA*, Media Release, 2019, p. 4.

چالش‌ها، رعایت جنبه‌های مختلف اصل دادرسی عادلانه^۱ و حق‌ها و تضامین رویه‌ای^۲ حقوق بشری ناظر بر آن است که علی‌رغم اصلاحات ساختاری، همچنان در زمره چالش‌های پیش‌روی دیوان قرار داشته،^۳ به عقیده برخی می‌تواند مرجعیت آن را با چالشی جدی مواجه سازد.^۴

با عنایت به موارد فوق، پژوهش حاضر درصدد یافتن پاسخی به این پرسش مهم است که حق بر دادرسی عادلانه تا چه حد توسط دیوان داوری ورزش رعایت می‌شود. در این مسیر، ابتدا مفهوم حق بر دادرسی عادلانه، قلمرو شمول و لزوم رعایت این حق توسط دیوان داوری ورزش بررسی می‌شود. این پژوهش سپس اثبات می‌کند که دیوان داوری ورزش ملزم به رعایت این حق، با همان مؤلفه‌ها و کیفیاتی است که در اسناد حقوق بشری منعکس شده‌است. این امر به‌خصوص در پرتو رویه قضایی غنی دیوان اروپایی حقوق بشر^۵ که به دلیل مقر دیوان بیشترین ارتباط را نیز با آن دارد، صورت می‌پذیرد. در پایان، عملکرد دیوان از منظر رعایت برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های دادرسی عادلانه تحلیل می‌شود.

۱. دادرسی عادلانه و حق‌ها و تضمینات رویه‌ای

حق‌ها یا تضامین رویه‌ای حقوق حاکم بر رسیدگی‌های قضایی است. برخورداری از شخصیت حقوقی در برابر قانون، برابری در بهره‌مندی از حمایت قانون و حق رجوع مؤثر به دادگاه‌های صالح برای احقاق حقوق قانونی همگی در زمره این حقوق قرار دارند. باین‌حال، به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین آنها حق بر دادرسی عادلانه است که در مواد ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر،^۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۷ و ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی^۸ نیز منعکس شده‌است.

حق بر دادرسی عادلانه که از آن به‌درستی به «ستون فقرات حقوق رویه‌ای» تعبیر شده‌است، ارتباط تنگاتنگی با مفهوم عام‌تر رعایت عدالت در رسیدگی‌های قضایی و شبه‌قضایی یا همان

1. Fair trial

2. Procedural rights and guarantees.

3. Downie, Rachele, "Improving the Performance of Sport's Ultimate Umpire: Reforming the Governance of the CAS", *MJIL*, Vol. 12, 2011, p. 328.

4. Kane, Darren, "Twenty Years On: An Evaluation of the CAS", *MJIL*, Vol. 4, 2003, p. 635.

5. European Court of Human Rights ("*ECtHR*").

6. Universal Declaration of Human Rights, 1948.

7. European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, 1950 ("*ECHR*").

8. International Covenant on Civil and Political Rights, 1966 ("*ICCPR*").

عدالت طبیعی (رویه‌ای)^۱ دارد، تا جایی که تمییز آنها از یکدیگر امری دشوار به نظر می‌رسد.^۲ با این حال، دادرسی عادلانه بر خلاف مفهوم عام‌تر رعایت عدالت ناظر بر مفاهیمی خاص‌تر همچون استقلال و بی‌طرفی دادگاه‌ها و محاکم و برابری سلاح‌ها^۳ یا همان برابری امکانات دفاع است.^۴ با توجه به بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی و رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر می‌توان مهم‌ترین جلوه‌های حق بر دادرسی عادلانه را در چهار دسته تقسیم‌بندی کرد:

۱. حق دسترسی به دادگاه؛^۵
 ۲. الزامات نهادی شامل قانونی‌بودن دادگاه و بی‌طرفی و استقلال؛
 ۳. الزامات جریان رسیدگی شامل صدور تصمیم طی مدت زمان معقول، دادرسی علنی و حق بر دفاع^۶ که خود دربرگیرنده تضمیناتی همچون حق بر شنیده‌شدن دعاوی و دلایل و برابری سلاح‌ها،^۷ اصل تقابل یا تناظر^۸ و حق بر صدور تصمیمی مستدل^۹ است؛
 ۴. الزامات مرحله اجرای حکم، یعنی حق بر اجرای حکم پس از رسیدگی و صدور رأی.^{۱۰}
- دیوان داور و ورزش در زمینه تأمین حق بر دفاع و تضمینات مربوط به آن عملکرد مثبتی داشته و قواعد رسیدگی دیوان در مواد متعددی به بیان مقررات ناظر بر این موارد، همچون ابلاغ

1. Natural or Procedural justice.

۲. سیدفاطمی، سیدمحمد، *حقوق بشر در جهان معاصر؛ دفتر اول: درآمدی بر مباحث نظری، مفاهیمی، مبانی، قلمرو و منابع*، تهران: نگاه معاصر، چاپ پنجم، ۱۳۹۶، صص ۷۴-۷۲.

3. Equality of arms

۴. سیدفاطمی، سیدمحمد، *حقوق بشر در جهان معاصر؛ دفتر دوم: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها*، تهران: شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۸، صص ۲۲۹-۲۲۰.

5. Right of access to court; ECtHR, *Golder v. UK*, 1975, paras. 35-36.

۶. یاوروی، اسدالله، *حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین*، حقوق اساسی، ۱۳۸۳، شماره ۲، صص ۲۸۵-۲۷۲.

7. European Commission of Human Rights ("*EcmHR*"), *X v. Sweden*, 1959, p. 12; *EcmHR, Herbert Ofner and Alois Hopfinger v. Austria*, 1962, p. 78.

8. Principle of adversarial proceedings; ECtHR, *Kress v. France*, 2001, para. 74; ECtHR, *Regner v. Czech Republic*, 2017, para. 146.

9. ECtHR, *Hirvisaari v. Finland*, 2001, para. 30.

۱۰. علی‌رغم عدم اشاره کنوانسیون اروپایی به الزاماتی همچون حق دسترسی به دادگاه یا حق بر اجرای حکم، دیوان اروپایی حقوق بشر در تفسیری که در قضایای مختلف از مفهوم دادرسی ارائه کرده، حقوق مذکور را نیز جزئی از دادرسی عادلانه تفسیر کرده‌است. دیوان رعایت تضمینات مربوط به جریان رسیدگی را بدون این حقوق، بی‌ارزش و بی‌اثر تلقی نموده‌است. ر.ک: یاوروی، اسدالله، از «دادرسی» تا «دادرسی منصفانه» تحول در مفهوم و قلمرو کلاسیک دادرسی و تضمینات آن، تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۳، شماره ۶۸، صص ۲۲۷-۲۲۴.

به طرفین، حق داشتن وکیل و شاهد پرداخته‌است. دیوان همچنین برای تسهیل دسترسی اشخاص فاقد منابع مالی کافی، به تأسیس صندوق کمک‌های حقوقی نیز مبادرت کرده‌است.^۱ در زمینه حق بر اجرای حکم نیز یکی از خصوصیات مهم آرای صادره توسط دیوان داورى ورزش اجرای خودکار و سریع آنهاست. این مسئله اگرچه سازکار کنترل قضایی آرای دیوان را از خود متأثر می‌سازد، از منظر رعایت حق بر اجرای حکم در زمره خصوصیات مثبت دیوان است. بنابراین، عملکرد دیوان از منظر رعایت این حقوق چندان مورد انتقاد نیست و این پژوهش معطوف به سایر جلوه‌های حق بر دادرسی عادلانه است.

۱. لزوم رعایت دادرسی عادلانه توسط دیوان داورى ورزش

۲.۱. رویکرد حقوق دانان

مسئله قلمرو شمول و لزوم رعایت حق بر دادرسی عادلانه در رسیدگی‌های نزد مراجع خارج از دستگاه قضایی و فاقد عنوان دادگاه، از جمله محاکم داورى، تا پیش از شناسایی این حق در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها به‌نحو جدی مطرح نبوده و حتی در دهه‌های ابتدایی پس از شناسایی این حق در اسنادی همچون کنوانسیون اروپایی، محل تردید و مقاومت حقوق دانان و نهادهای قضایی داخلی و بین‌المللی نیز بوده‌است.^۲ برخی معتقدند رجوع طرفین اختلاف به محاکم داورى به‌معنای صرف‌نظر آنان از تضامین رویه‌ای مندرج در اسناد حقوق بشری است؛ چرا که مخاطب این اسناد دولت‌ها هستند و محاکم داورى نه «به‌موجب قانون»، که به واسطه اراده طرفین اختلاف تشکیل شده‌اند. در مقابل، عده‌ای بر این باورند که محاکم داورى وظیفه و نقشی شبه‌قضایی بر عهده داشته و به آنچه که به‌طور سنتی در زمره وظایف دادگاه‌های ملی بوده، می‌پردازند، به‌همین دلیل ملزم به رعایت حقوق رویه‌ای هستند.^۳ عده‌ای از حقوق دانان نیز با انتخاب رویکردی بینابین، این نظریه را مطرح ساخته‌اند که اگرچه

1. ICAS, *Code of Sports-related Arbitration*, in force as from 01 January 2021, S6, R35, R44, R51-R57 ("Code").

۲. ر.ک: یاورى، اسدالله، پیشین، صص ۲۲۸-۲۲۷.

۳. خدرى، صالح، *دادرسی منصفانه در داورى تجارى بین‌المللی*، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، ۱۳۹۴، شماره ۲، صص ۵۴۰-۵۱۹.

محاکم داورى مستقیماً مؤظف به اعمال حقوق رویه‌ای مندرج در اسناد بین‌المللی نیستند، محاکم داخلی مؤظف‌اند در مرحله شناسایی و اجرا، یا ابطال آرای داورى رعایت اصول حاکم بر دادرسی عادلانه توسط دیوان داورى را کنترل کرده، به‌صورت غیرمستقیم آن را اعمال کنند.^۱

بدیهی است، بررسی و تحلیل حقوقی دقیق این نظرات و رویکردها، خود پژوهشی مفصل می‌طلبد. با این حال، چنین به‌نظر می‌رسد که این عده در وهله اول دچار یک خلط مفهومی عمیق شده و عدم انتساب اقدامات نهادهای داورى به دولت‌ها و در نتیجه عدم وجود مسئولیت بین‌المللی دولت به دلیل اعمال محاکم داورى را به عدم اعمال حق‌های بشری در روابط خصوصی بین اشخاص حقیقی و/یا حقوقی با یکدیگر و به تبع آن در رسیدگی‌های داورى تفسیر کرده‌اند. به دیگر سخن، این عده قابلیت طرح دعوا را با قابلیت اعمال حق یکسان پنداشته، چنین نتیجه گرفته‌اند از آنجایی که به دلیل عدم انتساب اقدامات محاکم داورى به دولت‌ها، امکان طرح دعاوی حقوق بشری علیه دولت‌ها وجود ندارد، حق‌های بشری نیز در رسیدگی‌های داورى امکان اعمال نداشته یا اساساً نباید اعمال شود. در این زمینه، برخی معتقدند که چنین رویکردهایی در تمیز بین صلاحیت شخصی^۲ اسناد بین‌المللی حقوق بشر که بدون وجود هرگونه تمایز و تبعیضی بر همه اشخاص حاضر در قلمرو تحت صلاحیت دولت‌ها اعمال می‌شود،^۳ از یک طرف، و موضوع سبمت^۴ در طرح دعوا و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به‌موجب این اسناد، از طرف دیگر، راه به خطا رفته‌اند.^۵

در وهله دوم، باید خاطر نشان ساخت که اگرچه کارکرد اصلی نظام هنجاری حقوق بشر معاصر محدود کردن قدرت دولت در برابر افراد و در نتیجه فضای غالب در گفتمان حقوق بشر فضای رعایت این حقوق توسط دولت‌ها در برابر اشخاص است، این امر به معنای عدم اعمال حقوق بشر در روابط بین اشخاص یک جامعه، اعم از حقیقی و حقوقی نیست.^۶ در این خصوص، در سایه توجه به مبنای اصلی برخورداری انسان‌ها از حق‌های بشری، یعنی حیثیت و کرامت

1. Besson, Sébastien, "Arbitration and Human Rights", *ASA Bulletin*, Vol. 3, 2006, pp. 400-402.

2. *ratione personae*

3. *ICCPR*, Article 2(1), *ECHR*, Article 1.

4. *locus standi*

5. Jaksic, Aleksander, "Procedural Guarantees of Human Rights in Arbitration Proceedings: A Still Unsettled Problem?", *JIA*, Vol. 24, 2007, p. 161.

۶. سیدفاطمی، سیدمحمد، پیشین؛ دفتر اول، ص ۴۱.

انسانی و نیز غایت اصلی حقوق بشر که حمایت و نهادینه کردن رعایت حقوق بشر است، مسئله لزوم رعایت حقوق بشر در روابط بین اشخاص امری بدیهی و بی‌نیاز از اثبات به نظر می‌رسد. ثالثاً، دیوان دآوری ورزش نهادی است دارای کارکرد قضایی که صلاحیت دارد به رسیدگی و صدور تصمیم در باب حقایق پرونده و مبانی حقوقی دعاوی که به آن ارجاع می‌شود، بپردازد.^۱ در این زمینه، دیوان اروپایی حقوق بشر، صرف‌نظر از نام و عنوان اعطاشده به یک مرجع و نهاد، با استناد به قضایی‌بودن ماهیت تصمیمات اتخاذشده توسط آن و کارکرد نهاد مذکور، حکم به تسری حق‌ها و تضامین رویه‌ای به رسیدگی‌های ماهیتاً قضایی در خارج دادگاه و دستگاه قضایی در مفهوم کلاسیک و مضیق آن داده‌است.^۲ علاوه بر آن، دیوان دآوری ورزش بر خلاف محاکم دآوری تجاری که تنها به صدور احکامی مبنی الزام به انجام تعهد و/یا پرداخت غرامت مبادرت می‌ورزند، در قضایای انضباطی و دوپینگ عمدتاً به وضع مجازات علیه ورزشکاران می‌پردازد؛ به‌نحوی که حقوق مختلف و متعددی از آنان را مستقیماً از خود متأثر می‌سازد.^۳ این مسئله بر اهمیت لزوم اعمال مستقیم تضامین رویه‌ای مندرج در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی در رسیدگی‌های دیوان دآوری ورزش می‌افزاید.

۲.۲. کنترل قضایی آرای دیوان

برخلاف آنچه که برخی دربارهٔ اعمال غیرمستقیم حق‌های رویه‌ای در مرحلهٔ شناسایی و اجرای آرای دآوری مطرح کرده‌اند، کنترل قضایی در خصوص آرای دیوان دآوری ورزش صدق نمی‌کند. آرای دیوان دآوری ورزش توسط نهادهای ورزشی اجرا می‌شوند، بدون آنکه اساساً به شناسایی آن توسط دادگاه‌های عادی نیازی باشد.^۴ این مسئله که یکی از خصوصیات بارز این آراست، توسط دیوان فدرال سوئیس^۵ در قضیهٔ کانیاکس نیز تأیید شده‌است. به اعتقاد دیوان فدرال، در خصوص اقدامات و احکام انضباطی، همچون تعلیق ورزشکاران که نیازی به شناسایی و اجرا

1. Code, R57.

۲. یوری، اسدالله، پیشین.

3. Straubel, Michael, "Enhancing the Performance of the Doping Court: How the CAS Can Do Its Job Better", *LUCLJ*, Vol. 36, No. 4, 2005, pp. 1236-1237.

4. Amorós, Agustín and Santiago Caffa, "Enforcement of CAS Awards: A General Review of the Available Options and its Particularities", *Football Legal*, 2015, p. 138.

5. Swiss Federal Tribunal ("*SFT*")

توسط محاکم نخواهدداشت، ورزشکاران شانس برای اعتراض علیه آرای مذکور نزد محاکم صالح در جریان شناسایی این احکام نخواهندداشت.^۱

علاوه بر آن، سازکار حاکم بر فرایند به اصطلاح تجدیدنظر در احکام صادره توسط دیوان داوری ورزش نیز که همگام با برخی حقوق دانان، دولت و دیوان فدرال سوئیس نیز آن را به منزله اعمال غیرمستقیم اصل دادرسی عادلانه در رسیدگی‌های دیوان داوری ورزش تلقی می‌کنند،^۲ نه تنها فاقد کارآمدی لازم برای تحقق اجرای ولو غیرمستقیم دادرسی عادلانه، بلکه خود مانع بزرگ‌تری در این زمینه است. به موجب مواد ۱۷۶ و ۱۹۱ قانون فدرال سوئیس در مورد حقوق بین‌الملل خصوصی^۳ که قانون حاکم بر داوری‌های مستقر در کشور سوئیس است، دیوان فدرال سوئیس مرجع صالح و انحصاری تجدیدنظر در آرای صادره توسط این محاکم است. به موجب این قانون، تجدیدنظر در آرای صادره توسط محاکم داوری مستقر در سوئیس، در واقع فرایندی است برای به‌چالش کشیدن و ابطال آرای مذکور که تنها بر مبنای مبانی حصری پنج‌گانه مندرج در بند ۲ این ماده صورت می‌پذیرد. در میان این موارد حصری نیز تنها مبانی که مستقیماً مرتبط با حقوق رویه‌ای است، نقض برابری طرفین و نقض حق آنان بر شنیده‌شدن دعاوی و دلایل خود است. نصب برخلاف قاعده داور یا داوران و تعارض آرای صادره با نظم عمومی سوئیس نیز در شمار مبانی فوق قرار دارد که اگرچه مستقیماً به حق بر دادرسی عادلانه اشاره‌ای ندارد، قابل تفسیر به مصادیق این حق است.

با این حال، اثبات نقض این حقوق نزد دیوان فدرال امری است پیچیده که با توجه به رویکرد دیوان فدرال نسبت به محاکم داوری مستقر در سوئیس، دشواری‌های فراوانی نیز دارد. دیوان فدرال نسبت به دیوان داوری ورزش رویکردی حمایتی و فایده‌گرایانه دارد که خود در قضیه کانپاس آن را «سخاوتمندانه» نامیده‌است. به اعتقاد دیوان فدرال، وجود امکان ابطال تصمیمات دیوان داوری ورزش وزنه تعادلی است در برابر «سخاوتی» که ضروری است در تفسیر و تحلیل ماهیت رضایت به رجوع به داوری در مسائل ورزشی به کار برده شود.^۴ اگرچه، به نظر می‌رسد این رویکرد سخاوتمندانه دیوان فدرال در مواجهه نقض حق‌های بشری جایگاهی نداشته‌باشد. رویکرد

1. SFT, ATF 133 III 235, , 2007, S. 244.

2. ECtHR, Mutu and Pechstein v. Switzerland, 2018, para. 54.

3. Loi fédérale sur le droit international privé ("LDIP")

4. SFT, Op. Cit., S. 245.

حمایتی دیوان فدرال نسبت به محاکم داوری موجب شده تا در برخی موارد نقض آشکار حق‌های بشری نیز حداقل بر مبنای نقض این حقوق، حکم به ابطال آرای داوری ندهد. دیوان فدرال در قضایای مختلفی بر این مسئله تأکید کرده‌است که در چارچوب اعتراض به آرای داوری نزد آن، استناد مستقیم به نقض حق‌های بشری مندرج در کنوانسیون اروپایی وجود ندارد، حتی اگر بتوان نقض حق‌های مذکور را در قالب یکی از مبانی مندرج در ماده ۱۹۰ برای ابطال آرای داوری دسته‌بندی کرد.^۱

نگاهی آماری به نتایج حاصل‌شده از دعاوی ابطال تصمیمات محاکم داوری بین‌المللی مستقر در سوئیس نزد دیوان فدرال نیز مؤید رویکرد حمایتی و تا حدودی غیر حقوق‌بشری آن نسبت به محاکم داوری است. سالانه نزدیک به ۱۰ درصد آرای صادره توسط دیوان داوری ورزش برای تجدیدنظر نزد دیوان فدرال مطرح می‌شود، اما تاکنون درصد بسیار ناچیزی از این دعاوی موفقیت‌آمیز بوده‌است. به‌عنوان مثال، از زمان تأسیس دیوان داوری ورزش در ۱۹۸۴ تا سال ۲۰۱۰، تعداد دعاوی موفق در این زمینه تنها پنج مورد، برابر با ۰.۳ درصد کل آرای صادره توسط دیوان داوری ورزش در این دوره زمانی بوده‌است.^۲

بررسی‌های نگارنده نشان می‌دهد که دیوان فدرال برای اولین بار در سال ۲۰۰۷ میلادی، یعنی ۲۳ سال پس از تأسیس دیوان داوری ورزش، یکی از آرای آن را باطل اعلام کرده‌است. آخرین آرای دیوان داوری ورزش که توسط دیوان فدرال باطل اعلام شده نیز پس از سال ۲۰۱۵، در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰ بوده‌است.^۳ در نهایت دیوان عالی فدرال بین سال‌های ۱۹۸۴ یا ۲۰۲۰، تنها دوازده رأی دیوان داوری ورزش را باطل اعلام کرده که در این میان مبنای ابطال پنج رأی مرتبط با حقوق رویه‌ای بوده‌است.^۴

1. SFT, 4A_384/2017, 2017, para. 4.2.1; SFT, 4A_246/2014, 2015, para. 7.2.2; SFT, 4A_238/2011, 2012, para. 3.2.

2. Netze, Stephan, "Appeals against Arbitral Awards by the CAS", *CAS Bulletin* 2/2011, 2011, pp. 19-20.

3. SFT, 4A_432/2017, 2018, annulling CAS, *CAS 2016/A/4554*, 2018; SFT, 4A_318/2020, 2020, annulling CAS, *2019/A/6148*, 2020.

4. See Dasser, Felix and Piotr Wójtowicz, "Challenges of Swiss Arbitral Awards - Updated and Extended Statistical Data as of 2017", *ASA Bulletin*, Vol. 36, 2018, pp. 276-281.

۲.۳. رویکرد دیوان اروپایی

به موجب رأی دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه کلودیا پچستاین،^۱ اعمال مستقیم تضامین رویه‌ای توسط دیوان داورى ورزش دیگر محل تردید نیست. دیوان اروپایی در این قضیه ضمن اشاره به رویه قضایی خود راجع به تفکیک داورى‌های اجباری و اختیاری از یکدیگر،^۲ بیان داشت که بر خلاف داورى‌های اختیاری که طرف‌های اختلاف می‌توانند داوطلبانه از برخی حقوق مندرج در کنوانسیون اروپایی، از جمله مراجعه به دادگاه‌های ملی صرف‌نظر کنند، در داورى‌های اجباری که راهی به جز مراجعه به داورى ندارند، محاکم داورى مؤظف به رعایت کلیه حقوق رویه‌ای مندرج در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر خواهند بود. به اعتقاد دیوان اروپایی، اجباری بودن پذیرش صلاحیت دیوان داورى ورزش که عموماً در اساسنامه و مقررات فدراسیون‌ها و نهادهای ورزشی درج می‌شود، این نهاد را ملزم می‌دارد تا کلیه تضامین رویه‌ای مندرج در کنوانسیون را اعمال کند.^۳

۳. دادرسی عادلانه در ساختار و عملکرد دیوان داورى ورزش

۳.۱. حق دسترسی به دادگاه و صلاحیت اجباری دیوان

به موجب تفسیری که دیوان اروپایی حقوق بشر برای اولین بار در سال ۱۹۷۵ در قضیه گولدر علیه انگلستان از بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی ارائه داد، این بند را متضمن حق همگان بر مراجعه به محاکم یا دادگاه‌ها در تعیین حقوق و تعهدات مدنی خود دانست. به اعتقاد دیوان، ماده ۶ دربرگیرنده حق مراجعه به دادگاه است که حق بر دسترسی به دادگاه، یعنی حق بر طرح دعوا در مورد مسائل مدنی، تنها یکی از جلوه‌های آن است.^۴ در رویه مراجع بین‌المللی حقوق بشری، عدم ارائه معاضدت حقوقی و/یا مساعدت مالی،^۵ هزینه‌های بالای رسیدگی،^۶ تأخیر غیر موجه در فرایند رسیدگی، صدور و اجرای حکم نهایی^۷ و وجود موانع قانونی بر سر راه طرح دعوی نزد

1. Claudia Pechstein

2. ECtHR, *Tabbane v. Switzerland*, Decision, 2016; ECtHR, *Transado-Transportes Fluviais do Sado, S.A., v. Portugal*, Decision, 2003.

3. *Ibidem.*, paras. 92-108.

4. ECtHR, *Golder v. UK*, 1975, paras. 35-36.

5. ECtHR, *Steel and Morris v. UK*, 2005, paras. 59-61.

6. ECtHR, *Kreuz v. Poland*, 2001, paras. 61-67.

7. ECtHR, *Marini v. Albania*, 2008, paras. 126-135.

دادگاه‌ها و محاکم^۱ در زمره مواردی بر شمرده شده است که می‌تواند موجب نقض حق اشخاص بر دسترسی به دادگاه شود.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی محاکم داوری، به‌خصوص داوری‌های اجباری، مسئله تعارض میان تحمیل صلاحیت محاکم داوری و حق اشخاص بر دسترسی به دادگاه‌ها و محاکم صالح ملی است. آزادی اراده ورزشکاران در پذیرش صلاحیت دیوان داوری ورزش نیز در همین دسته قرار داشته و از دیرباز موضوع بحث‌های حقوقی مهمی بوده است.^۲ این موضوع به‌خصوص در پرتو این نکته که ۷۵ تا ۹۰ درصد اختلافات ارجاع‌شده به دیوان به دلیل طرح نزد شعبه تجدیدنظر دیوان^۳ دارای ماهیت اجباری است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.^۴ ماهیت اجباری پذیرش صلاحیت دیوان که در سال ۲۰۰۷ توسط دیوان فدرال مورد اشاره قرار گرفته بود،^۵ در قضیه پچستاین توسط دیوان اروپایی نیز صراحتاً مورد تأیید قرار گرفت.^۶ حقوق دانان مختلف نیز بر این مسئله صحنه گذاشته^۷ و بعضاً به‌دلیل تعارض با حق دسترسی به دادگاه، آن را ناقض کنو انسیون اروپایی ارزیابی کرده‌اند.^۸ در نظام حقوق داخلی برخی کشورها، از جمله فرانسه نیز شروط داوری دارای ماهیت اجباری که اشخاص را از دسترسی آزادانه به محاکم ملی محروم می‌سازند، اساساً به‌دلیل تعارض با نظم عمومی باطل محسوب می‌شوند.^۹

با این حال، دیوان اروپایی حقوق بشر در این زمینه رویکرد متفاوتی اتخاذ کرده است. به اعتقاد دیوان، دسترسی به دادگاه لزوماً به معنای دسترسی به دادگاه به معنای کلاسیک، یعنی محاکم

1. ECtHR, Case of De Geouffre de la Pradelle v. France, 1992, paras. 34-35.

2. Lukomski, Jan, "Arbitration Clauses in Sport Governing Bodies' Statutes: Consent or Constraint? Analysis from the Perspective of Article 6(1) of the ECHR", ISLJ, Vol. 13, 2013, pp. 60-70.

۳. طبق آمار منتشرشده توسط دیوان، تا سال ۲۰۱۶ شعبه داوری عادی دیوان پذیرای ۷۹۰ دعوی مطرح‌شده بوده، در حالی که تعداد دعاوی مطرح‌شده نزد شعبه تجدیدنظر دیوان برابر با ۴۰۵۳ بوده است:
https://www.tas-cas.org/fileadmin/user_upload/CAS_statistics_2016_pdf (accessed August 2020).

4. Lindholm, Johan, The CAS and its Jurisprudence: An Empirical Inquiry into Lex Sportiva, The Hague: TMC, 2019, p. 36.

5. SFT, ATF 133 III 235, 2007, SS. 242-243.

6. ECtHR, Mutu and Pechstein v. Switzerland, 2018, paras. 103-115.

7. Rigozzi, Antonio, "Consent in Sports Arbitration: Its Multiple Aspect", in Geisinger, Elliot and Elena Trbaldo (eds.), Sports Arbitration: A Coach for Other Players?, New York: ASA, 2015, p. 59.

۸. مافی، همایون و فراز شهلائی، چالش‌های تأسیس دیوان ملی داوری ورزش: بررسی تطبیقی با دیوان داوری ورزش (CAS)، پژوهش حقوق عمومی، ۱۳۹۶، شماره ۵۴، صص ۵۴-۵۵.

9. Rigozzi, Antonio, Op. Cit., p. 65.

داخلی کشورها نیست. بلکه مفهوم «دادگاه» در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی را می‌توان مشروط به رعایت تضمینات مندرج در این ماده، به نهادهایی همچون محاکم داوری که برای تصمیم‌گیری در خصوص موضوعاتی خاص تشکیل می‌شوند، نیز تعمیم داد.^۱ از دیدگاه دیوان، حق دسترسی به دادگاه مطلق نیست و دولت‌ها در اعمال محدودیت بر این حق، در صورتی که به جوهره آن خدش‌های وارد نسازند، هدفی مشروع را دنبال کنند و میان محدودیت و هدف مورد نظر تناسبی برقرار باشد، از حاشیه انعطاف^۲ مشخصی برخوردارند.^۳ به همین دلیل، دیوان معتقد است مراجعه ولو اجباری به محاکم داوری، اصولاً ناقض حق دسترسی به دادگاه نیست، مشروط بر آنکه این قبیل محاکم کلیه تضمینات مندرج در کنوانسیون را رعایت کنند.^۴ بدین ترتیب، با استناد به معیارهای ارائه‌شده توسط دیوان اروپایی، اجبار ورزشکاران به پذیرش صلاحیت دیوان داوری ورزش نیز، در صورت رعایت کلیه مؤلفه‌های حق بر دادرسی عادلانه توسط آن به‌خودی‌خود ناقض حق بر دسترسی به دادگاه نیست.

۳.۲. دیوان داوری ورزش و استقلال و بی‌طرفی

۳.۲.۱. تحلیل مفهومی

از مهم‌ترین سازکارهای عملی تضمین حق بر دادرسی عادلانه می‌توان به اصول استقلال و بی‌طرفی محاکم اشاره کرد که از آنها به‌درستی تحت عنوان «نمادهای عقلانیت و مشروعیت نهاد قضایی در هر کشور» یاد شده‌است.^۵ این دو اصل که به دلیل ارتباط نزدیک با یکدیگر می‌توان از آنها تحت عنوان «دو روی سکه حق بر دادرسی عادلانه»^۶ نیز یاد کرد، هم بر ساختار نهاد قضایی به‌عنوان یک کل و هم بر قضاوت و داوران به‌صورت شخصی اعمال می‌شود. در سیاق نظام‌های داخلی کشورها، محاکمی که از قوه مجریه مستقل نباشند، در دعوی که یکی از طرف‌ها قوه مجریه است، بی‌طرف نیز نخواهند بود. به همین ترتیب، دست‌اندرکاران

1. ECtHR, *Lithgow and Others v. UK*, 1986, para. 201.

2. Margin of appreciation

3. ECtHR, *Osman v. UK*, 1998, para. 147;

همچنین، ر.ک: ممتاز، جمشید و سیروس متوسل، **حق بر دادرسی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر**، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، ۱۳۹۵، شماره ۴، صص ۸۷۰-۸۶۵.

4. ECtHR, *Suda v. Czech Republic*, 2010, paras. 48-49.

5. UNESCO, UN Doc. E/CN.4/1995/39, 1995, para. 34.

۶. سیدفاطمی، سیدمحمد، پیشین، دفتر دوم، ص. ۲۲۲.

محاکم (اعم از قضات) نیز که دارای پیوندهایی با یکی از طرف‌ها باشند، در معرض نقض هر دو اصل استقلال و بی‌طرفی خواهند بود.^۱ در سیاق داوری‌های بین‌المللی، استقلال به معنای نداشتن ارتباط قبلی یا فعلی تجاری، حرفه‌ای و اجتماعی با یکی از طرفین داوری و بی‌طرفی به معنای عدم تمایل مرجع داوری به یکی از طرفین دعوا و تبعیض در رسیدگی به اختلاف و استماع اظهارات طرفین و ادله آنان تفسیر شده است.^۲

با این حال، علی‌رغم آنکه در ادبیات حقوقی تلاش شده تا تفاوت میان این دو مفهوم به صورت دقیق مشخص شود،^۳ محاکم بین‌المللی همچون دیوان اروپایی حقوق بشر عموماً استقلال و بی‌طرفی دادگاه‌ها را همراه با یکدیگر و با منطقی یکسان بررسی می‌کنند.^۴ دادگاه‌های داخلی نیز از این موضوع مستثنی نبوده‌اند؛ در این خصوص می‌توان به دیوان فدرال سوئیس اشاره کرد که اساساً معتقد است هیچ تمایز مشخص و دقیقی میان دو مفهوم استقلال و بی‌طرفی محاکم وجود ندارد.^۵

۳.۲.۲. عدم استقلال و بی‌طرفی، اعتراضی پابرجا در برابر دیوان

استقلال و بی‌طرفی دیوان داوری ورزش همواره به عنوان یکی از چالش‌های پیش‌روی دیوان مطرح بوده و دعاوی زیادی را نزد دیوان فدرال به خود اختصاص داده و برای اولین بار پس از ۳۶ سال در دسامبر سال ۲۰۲۰ و در قضیهٔ موسوم به سون ینگ^۶ موجب ابطال یکی از آرای دیوان شده است.^۷ اهمیت استقلال و بی‌طرفی دیوان در مواردی همچون دوپینگ یا تخلفات انضباطی که به موجب آن عموماً ورزشکاران در موضع اتهام و فدراسیون‌های ورزشی در مقام تعقیب ورزشکاران قرار می‌گیرند، به خصوص در پرتو رابطهٔ نابرابر قدرت و نفوذ میان این دو بر دیوان داوری اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.^۸

1. Harris, David et al., *Law of the ECHR*, 2nd Edition, New York: OUP, 2009, p. 284.

۲. مافی، همایون، *تشریح بر قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران*، تهران: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، چاپ اول، ۱۳۹۵، صص ۱۸۵-۱۸۴.

3. Poncet, Charles, "The Independence of the CAS", *EIAR*, Vol. 1, 2012, p. 40.

4. ECtHR, *Ramos Nunes de Carvalho e Sá v. Portugal*, 2018, para. 150.

5. SFT, *4A_234/2010*, 2010, para. 3.3.1

6. Sun Yang

7. See SFT, *4A_318/2020*, 2020, annulling CAS, *2019/A/6148*, 2020.

8. Straubel, Michael, *Op. Cit.*, p. 1231.

عدم استقلال و بی‌طرفی دیوان برای اولین بار توسط اِلمار گاندل،^۱ سوار کار آلمانی، نزد دیوان فدرال مورد اعتراض قرار گرفت. دیوان فدرال پس از بررسی موضوع، با اشاره به پیوندهای ساختاری و اقتصادی موجود میان دیوان داوری و کمیته بین‌المللی المپیک، حضور کمیته به‌عنوان یکی از طرفین دعوا در قضایای مطروحه نزد دیوان داوری را ناقض استقلال و بی‌طرفی و مسئله‌ای غیرقابل اغماض دانست. دیوان فدرال به‌طور خاص به اختیار کمیته در اصلاح اساسنامه دیوان داوری، این نکته که بخش اعظم هزینه اداره دیوان به عهده کمیته بود و همچنین نقش مهمی که کمیته و رئیس آن در انتخاب اعضای دیوان (سی عضو از شصت عضو) داشت، اشاره کرد.^۲ وجود پیوندهای مذکور در این سال‌ها موجب ایجاد این اعتقاد شده بود که کمیته از موقعیت برتر خود به‌عنوان تأمین‌کننده بودجه و اداره‌کننده دیوان استفاده می‌کرد تا به‌جای منافع ورزشکاران، منافع خود را تأمین کند.^۳

یافته دیوان فدرال در قضیه گاندل محرک اصلی اصلاح ساختار دیوان و تأسیس شورای بین‌المللی داوری ورزش^۴ به‌عنوان نهاد جدید و مستقل اداره‌کننده و هماهنگ‌کننده بودجه دیوان شد. در حال حاضر، بودجه دیوان توسط کمیته بین‌المللی المپیک، کمیته‌های ملی و فدراسیون‌ها (هر کدام یک‌سوم) تأمین می‌شود.^۵

علی‌رغم تغییرات مذکور و شناسایی گسترده دیوان توسط نهادهای ورزشی ملی و بین‌المللی در سراسر جهان، مسئله استقلال دیوان، به‌خصوص در برابر کمیته بین‌المللی المپیک، همچنان موضوع بحث‌های حقوقی بود.^۶ با این حال، دیوان عالی فدرال سوئیس در سال ۲۰۰۳ در قضیه لاریسا لازوتینا^۷ و اولگا دانیلوا^۸ حکم مهمی صادر کرد و به‌موجب آن دیوان داوری ورزش را، ولو در دعاوی که یکی از طرفین آن کمیته بین‌المللی المپیک است، به‌عنوان یک مقام قضایی^۹

1. Elmar Gundel

2. SFT, *ATF 119 II 271*, 1993, SS 275-279.

3. Kaufman, Stephen, "Issues in International Sports Arbitration", *BUIJLJ*, Vol. 13, 1995, pp. 527-550.

4. International Council of Arbitration for Sport (the "ICAS"); See Schwaar, Gilbert, "CAS", *Olympic Review*, Vol. 309, 1993, p. 305.

5. Tribunal Arbitral du Sport, *Conference Internationale Droit et Sport*, Lausanne: TAS, 1993, pp. 13-15.

6. Rigozzi, Antonio, *L'arbitrage international en matière de sport*, Basel: Helbing, 2005, p. 280.

7. Larissa Lazutina

8. Olga Danilova

9. Judicial authority

مستقل از طرفین که آرای صادره توسط آن هم‌ارز با آرای صادره توسط محاکم داخلی است، شناسایی کرد.^۱

باید توجه داشت تأسیس شورا و سایر تغییرات انجام‌شده در تأمین بودجه، ساختار و نحوه اداره دیوان در سال‌های پس از آن، تا حدودی وضعیت را به نفع ورزشکاران تغییر داد و مانع از اعمال نفوذ مستقیم کمیته بر دیوان شد. با وجود این، به نظر می‌رسد آنچه که در این زمینه مغفول مانده، آن است که پس از اصلاحات صورت‌گرفته تریدها راجع به استقلال و بی‌طرفی دیوان نسبت به کمیته، جای خود را به تردید نسبت به استقلال و بی‌طرفی دیوان در برابر کلیت نهادها و فدراسیون‌های ورزشی که در ساختار واحدی به نام جنبش المپیک^۲ گرد هم آمده و در کنار کمیته بین‌المللی المپیک موجبات ادامه حیات دیوان را فراهم می‌آورند، داده‌است.

در همین زمینه، مسئله استقلال و بی‌طرفی دیوان دآوری ورزش حدود سی سال پس از تأسیس دیوان، یک‌بار دیگر و این‌بار نزد دیوان اروپایی حقوق بشر توسط کلودیا پچستاین مورد سؤال قرار گرفت. دیوان اروپایی در این قضیه پیوندهای مشخص میان شورا و سایر نهادهای ورزشی و وجود امکان اثرگذاری واقعی این نهادها بر دیوان و تصمیمات آن را مورد اشاره قرار داد. با این حال و علی‌رغم آمادگی برای اعلام عدم استقلال و بی‌طرفی دیوان دآوری ورزش، به دلیل عدم ارائه شواهد و مدارک کافی از سوی پچستاین، حکم به بی‌طرفی و استقلال آن داد. حکمی که انتقاد به آن از خود قضات دیوان آغاز شد. دیوان موضوع تأمین مالی دیوان دآوری ورزش توسط نهادهای ورزشی مختلف مرتبط با جنبش المپیک را ضمن مقایسه تأمین بودجه دادگاه‌های داخلی توسط دولت‌ها، به تنهایی برای اثبات عدم استقلال و بی‌طرفی دیوان دآوری کافی ندانست.^۳

البته، در پرتو تفاوت‌های بنیادین میان دادگاه‌های داخلی و دیوان دآوری ورزش، از جمله عدم برخورداری دیوان دآوری از سازکارهای اعتراض و/یا تجدیدنظر مشابه با آنچه که در نظام حقوق داخلی کشورها وجود دارد و همچنین نظام نه‌چندان کارآمد تجدیدنظر در آرای دیوان دآوری، به نظر نمی‌رسد مقایسه این دو مبنای منطقی متقنی داشته‌باشد. شاهد مثال آنکه در قضیه

1. SFT, *ATF 129 III 445*, 2003, S. 463.

2. Olympic Movement

3. ECtHR, *Mutu and Pechstein v. Switzerland*, 2018, paras. 150-159.

پچستاین، وی علاوه بر دادگاه تجدیدنظر مونیخ، تاکنون موفق به طرح دعوی خود در سه مرجع تجدیدنظر دیگر در نظام قضایی آلمان نیز شده است؛ در حالی که آرای دیوان داوران را تنها می‌توان نزد دیوان فدرال سوئیس، آن هم با شرایطی که ذکر شد، به چالش کشید. از طرف دیگر، همان‌طور که پیش‌تر نیز مورد اشاره قرار گرفت، در رویه داوران بین‌المللی نیز اتکای مالی داوران به یکی از طرفین اختلاف از مبانی جدی نقض استقلال و/یا بی‌طرفی آنان محسوب می‌شود.^۱

اهمیت این موضوع، به‌خصوص در پرتو سازکار انتخاب اعضای شورای بین‌المللی داوران ورزش که خود وظیفه انتخاب داوران دیوان را برعهده دارند، بیشتر خودنمایی می‌کند. به‌موجب رویه قضایی دیوان اروپایی، در تشخیص استقلال محاکم، باید به نحوه انتخاب اعضا و مدت مأموریت آنان، وجود تضمینات در برابر فشار بیرونی و مهم‌تر از همه این پرسش که آیا استقلال آن «نمود بیرونی» دارد یا خیر، توجه شود. در این خصوص، آنچه بیش از هر چیز تعیین‌کننده است، استقلال و بی‌طرفی شخصی داوران نیست، بلکه نمود بیرونی استقلال و بی‌طرفی ساختار محاکم داوران است.^۲

در این زمینه، تمامی بیست عضو شورا به‌صورت مستقیم (دوازده عضو) یا غیر مستقیم (هشت عضو توسط دوازده عضو دیگر) توسط کمیته بین‌المللی المپیک و سایر نهادهای ورزشی و تمامی داوران دیوان نیز توسط اعضای شورا انتخاب می‌شوند.^۳ شورا همچنین به‌موجب ماده R35 اختیار دارد داوران را به تشخیص خود و تحت شرایطی که امکان طرح آن توسط هیچ‌یک از طرفین دعوا وجود ندارد، با ذکر دلایلی مختصر حذف کند.

بدیهی است، این نحوه انتخاب اعضای شورا و به‌تبع آن انتخاب و حذف داوران دیوان، بیانگر وجود پیوندهایی میان شورا و نهادها و فدراسیون‌های ورزشی که در بسیاری از دعاوی مطروحه نزد دیوان در مقابل ورزشکاران قرار می‌گیرند، از یک طرف و نفوذ آنان بر سازکار انتخاب داوران از طرف دیگر است. بررسی‌های نگارنده در رابطه با نه تن از اعضای شورا که در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ رئیس و دو نایب‌رئیس شورا و رؤسا و قائم‌مقام شعبات سه‌گانه دیوان را تشکیل می‌دهند، بیانگر آن است که شش تن از آنان سابقه عضویت در نهادها و فدراسیون‌های ورزشی بین‌المللی

1. Moses, Margaret, *The Principles and Practice of International Commercial Arbitration*, 2nd Ed., New York: CUP, 2012, pp. 135-145.

2. ECtHR, *Campbell and Fell v. UK*, 1984, para. 78.

3. Code, S4-S5.

یا ملی را داشته، یا همچنان عضو این نهادها هستند. در واقع، همان‌طور که ۶۰ درصد اعضای شورا (دوازده عضو از بیست عضو) مستقیماً توسط نهادها و فدراسیون‌های ورزشی انتخاب می‌شوند، بیش از ۶۰ درصد جایگاه‌های مهم شورا و دیوان نیز توسط آن دسته از اعضای شورا اشغال شده که به نهادها و فدراسیون‌های مذکور مرتبط‌اند. این اشخاص اختیار دارند تا رؤسای پنل‌های دیوان که در سیاق داورهای بین‌المللی عموماً نقشی تعیین‌کننده در نتیجه دعوا داشته،^۱ به موجب تصریح قواعد داورهای ورزشی در صورت عدم حصول اکثریت اختیار تعیین نتیجه دعوا را دارند،^۲ انتخاب کنند.

انتخاب چندباره داورانی خاص در اکثر قضایای طرح‌شده نزد دیوان نیز به این مسئله دامن می‌زند. از زمان تأسیس دیوان تا کنون، هفده داور دیوان مجموعاً ۹۹۶ مرتبه برای داورهای انتخاب شده و بیش از ۴۵ درصد از موارد، انتخاب داوران را به خود اختصاص داده‌اند. نتیجه این امر، انتخاب مداوم داورانی مشخص از سوی نهادها و ورزشی، به‌عنوان نهادهایی که دائماً به‌عنوان یکی از طرف‌های اختلاف به دیوان مراجعه می‌کنند، بوده‌است. در این خصوص، برخی داوران دیوان در ۴۵ یا ۳۷ درصد دعاوی که یک فدراسیون خاص نزد دیوان داشته، به‌عنوان داور منتخب فدراسیون مذکور به داورهای پرداخته‌اند.^۳

به‌همین دلیل، به‌نظر می‌رسد علی‌رغم تلاش‌های صورت‌گرفته، همچنان پیوندهای میان دیوان و نهادها و ورزشی و نفوذ آنان بر دیوان به‌حدی باشد که برای تشخیص عدم وجود نمود بیرونی استقلال و بی‌طرفی آن کفایت کند. قضات مخالف دیوان اروپایی در قضیه پچستاین نیز این موارد را برای وجود «بیم مشروع»^۴ ورزشکاران بر عدم وجود نمود بیرونی استقلال دیوان داورهای کافی دانسته‌اند.^۵

۳.۳. علنی‌بودن رسیدگی‌ها و اعلان و انتشار عمومی آرای توسط دیوان داورهای ورزشی

اسناد جهانی حقوق بشری با قراردادن لزوم برگزاری علنی رسیدگی‌ها با امکان حضور مطبوعات، رسانه‌های عمومی و عموم مردم علاقه‌مند و لزوم اعلان و انتشار عمومی آرا در کنار

1. Straubel, Michael, *Op. Cit.*, pp. 1235-1236.

2. *Code*, S6, R46, R59.

3. Lindholm, Johan, *Op. Cit.*, pp. 255-256.

4. Legitimate fear

5. ECtHR, *Mutu and Pechstein v. Switzerland*, 2018, p. 54.

منصفانه بودن آن، بر اهمیت این مسئله به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق رویه‌ای صحه گذاشته‌اند. بدیهی است، علنی بودن رسیدگی‌ها نقش کنترل‌کننده‌ای نسبت به دادگاه ایفا کرده، می‌تواند بهتر از رسیدگی‌های محرمانه و در خفا در کشف حقیقت مؤثر افتد.^۱ به اعتقاد دیوان اروپایی، علنی بودن رسیدگی‌ها از طرف‌های اختلاف در برابر اجرای در خفای عدالت، بدون وجود امکان بررسی دقیق این فرایند توسط عموم، محافظت کرده و با ایجاد شفافیت در اجرای عدالت، نقش مهمی در تحقق حق بر دسترسی عادلانه ایفا خواهد کرد.^۲

۳.۳.۱. ارزیابی عملکرد دیوان در برگزاری علنی رسیدگی‌ها

قواعد رسیدگی دیوان در موارد متعددی به غیرعلنی بودن رسیدگی‌ها و تعهد داوران، میانجیان و طرفین اختلافات بر رعایت محرمانگی و عدم افشا و نیز محرمانه بودن آرا اشاره کرده‌است. به موجب ماده ۴۴.۲ R در رسیدگی‌های نزد شعبه داورى عادى دیوان داورى ورزش، به‌جز با توافق طرفین، اصل بر غیرعلنی بودن رسیدگی‌هاست. بررسی‌های نگارنده بیان‌گر آن است که طی ۳۶ سال فعالیت تا پایان سال ۲۰۲۰، دیوان تنها در دو قضیه، آن‌هم در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۲۰، به برگزاری علنی جلسات رسیدگی پرداخته‌است.^۳ دیوان به قدری بر غیرعلنی برگزار کردن رسیدگی‌ها پافشاری داشته که در سال ۲۰۰۹ و علی‌رغم درخواست پجستاین، نه‌تنها رسیدگی‌ها را به صورت علنی برگزار نکرد، بلکه حتی به مدیر برنامه‌های وی نیز اجازه حضور در جلسات رسیدگی را نداد.^۴

این مسئله یکی از مبانی شکایت پجستاین نزد دیوان اروپایی حقوق بشر نیز بود که منجر به اعلام نقض حق بر برگزاری علنی رسیدگی‌ها توسط آن شد. دیوان اروپایی ضمن بیان اینکه علنی بودن رسیدگی‌ها یکی از اصول اساسی حق بر دسترسی عادلانه مندرج در بند ۱ ماده ۶ است، به استثنائات وارد بر آن، یعنی دلایل اخلاقی، رعایت نظم و امنیت عمومی در جوامع دموکراتیک، رعایت مصالح زندگی خصوصی اطراف دعوا، کودکان و نوجوانان و بالاخره امکان اخلال در رسیدگی و اجرای عدالت، آن‌هم در شرایط استثنایی که دادگاه مطلقاً ضروری تشخیص دهد،

۱. سیدفاطمی، سیدمحمد، پیشین، دفتر دوم، صص ۲۳۹-۲۳۸.

۲. ECtHR, *Campbell and Fell v. UK*, 1984, para. 26.

۳. Arroyo, Manuel, *Arbitration in Switzerland - The Practitioner's Guide*, 2nd Edition, Alphen aan den Rijn: Kluwer, 2018, p. 154; CAS, *CAS Public Hearing - WADA v. Sun Yang & FINA*, Media Release, 2019.

۴. SFT, *4A_612/2009*, 2010, para. 4.1.

اشاره کرد. دیوان چنین نتیجه گرفت که ماهیت مسائل مطروحه در قضیهٔ پچستاین نزد دیوان داوری، برگزاری علنی جلسات رسیدگی را ضروری می‌ساخت. دیوان به‌طور خاص به اختلاف بر سر حقایق پرونده، استفاده از کارشناسان مختلف و در نهایت تأثیر و بار منفی مسائل مورد اختلاف بر حیثیت و اعتبار شغلی پچستاین اشاره کرد.^۱

اگرچه دیوان اروپایی این سؤال را بی‌پاسخ گذاشت که آیا دیوان داوری تنها در موارد درخواست مؤلف به برگزاری علنی رسیدگی‌هاست، یا به‌جز در موارد استثنایی، اصل بر برگزاری علنی است، به‌نظر می‌رسد معیارهای ارائه‌شده توسط آن، یعنی ماهیت عمدتاً اجباری رسیدگی‌ها نزد دیوان داوری، بر لزوم برگزاری علنی رسیدگی‌ها، به‌جز در موارد استثنایی مندرج در ماده ۶ کنوانسیون تأکید دارد. به‌همین ترتیب، دیوان داوری ورزش مؤلف است در دعاوی دوپینگ که نزدیک به ۶۰ درصد از دعاوی مطروحه نزد شعبه تجدیدنظر را تشکیل می‌دهد،^۲ فارغ از فرایند اجبارگونه پذیرش صلاحیت دیوان توسط ورزشکاران، در پرتو تأثیری که نتیجهٔ رسیدگی دیوان به اختلافات بر حیثیت و اعتبار شغلی ورزشکاران می‌گذارد، رسیدگی‌ها را به‌صورت علنی برگزار کند. دیوان داوری ورزش پس از رأی دیوان اروپایی ضمن اصلاح قواعد رسیدگی دعاوی تجدیدنظر، درصد پیروی و تدوین همان راه و چارچوبی برآمد که توسط کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در این خصوص ترسیم شده‌است. اگرچه نفس این اقدام مثبت تلقی می‌شود، رویکرد اتخاذشده توسط دیوان آشکارا مغایر با معیارهای مندرج در کنوانسیون است. به‌موجب مادهٔ R57، مگر در صورت توافق طرفین به‌نحو دیگر، اصل بر غیرعلنی‌بودن رسیدگی‌های تجدیدنظر و ضبط آن توسط دوربین است. پس از قضیهٔ پچستاین، دیوان داوری ورزش این امکان را تنها برای اشخاص حقیقی و آن‌هم در قضایای انضباطی، فراهم ساخت تا به‌شرط عدم وجود برخی استثنائات مشابه با آنچه در کنوانسیون اروپایی آمده، علنی‌بودن رسیدگی‌ها را درخواست کنند. رویکردی که کاملاً برخلاف کنوانسیون، اصل را بر غیرعلنی‌بودن رسیدگی‌ها بنا نهاده‌است.

1. ECtHR, *Mutu and Pechstein v. Switzerland*, 2018, paras. 175-184.

۲. از میان تمامی آرای دیوان داوری ورزش که طی مطالعه‌ای تا سال ۲۰۱۹ به‌صورت کامل بررسی شده‌بود، ۱۷ درصد رسیدگی‌ها نزد شعبه داوری عادی دیوان و ۶۰ درصد رسیدگی‌ها نزد شعبه تجدیدنظر به‌موضوعاتی همچون دوپینگ و تخلفات انضباطی مربوط بوده‌است. ر.ک:

Lindholm, Johan, *Op. Cit.*, p. 36.

قواعد رسیدگی دیوان اخلال در نظم و امنیت عمومی را به‌عنوان یکی از استثنائات در این زمینه ذکر کرده‌است؛ در حالی که مشخص نیست ناظر به نظم و امنیت عمومی کدام کشور است. به‌علاوه، این مبنا بر خلاف آنچه به صراحت در کنوانسیون آمده، مقید به قید «در جوامع دموکراتیک» نشده‌است. این مسئله زمینه را برای دخالت و اعمال نفوذ دولت‌های غیردموکراتیک، به‌خصوص در کشورهایی که ورزش تحت سیطره و نفوذ دولت و متأثر از مسائل سیاسی است، فراهم می‌آورد. مورد دیگر، بیم از اخلال در اجرای عدالت است که در کنوانسیون محدود و مقید به شرایط بسیار ضروری و استثنایی که دادگاه چنین تشخیص دهد، شده‌است، در حالی که قواعد داوری ورزشی فاقد چنین قیودی است.

دیوان داوری همچنین به گسترش استثنائات حصری^۱ مندرج در کنوانسیون اقدام کرده و برگزاری علنی رسیدگی‌ها را در اختلافاتی که منحصرأ مربوط به مبانی حقوقی، و نه بر سر حقایق پرونده است و نیز در مواردی که رسیدگی‌های بدوی موضوع تجدیدنظر نزد دیوان به‌صورت علنی برگزار شده‌باشد، به استثنائات مذکور افزوده است. اقدامی که دایرة موارد محدود برگزاری علنی رسیدگی‌ها نزد دیوان را تنگ‌تر از پیش کرده و معایر اصول حاکم بر حق بر برگزاری علنی رسیدگی‌هاست.

در نهایت، نتیجه وضع چنین محدودیت‌هایی آن بوده که از میان قضایای مطروحه نزد دیوان پس از سال ۲۰۱۹ جلسه رسیدگی به تنها یک قضیه به‌صورت علنی برگزار شده‌است.^۲

۳.۳.۲. اعلان و انتشار عمومی آرای دیوان

بر خلاف برگزاری علنی، اعلان عمومی احکام هیچ استثنایی نداشته، حتی در صورت غیرعلنی برگزارشدن رسیدگی‌ها، باید به‌صورت عمومی اعلان و منتشر شوند. از دیدگاه دیوان اروپایی، تنها استثنایی که بر اصل اعلان و/یا انتشار عمومی احکام وارد است، قضایای مرتبط با قیمومت کودکان است که در این موارد دادگاه‌ها همچنان موظف‌اند احکام مربوطه را در معرض دسترسی اشخاص مرتبط با پرونده قرار دهند.^۳

1. Harris, David et al., *Op. Cit.*, p. 272.

2. CAS, *CAS Public Hearing - WADA v. Sun Yang & FINA*, Media Release, 2019.

3. ECtHR, *B. and P. v. UK*, 2001, para. 47.

اما رویه عملی دیوان داوری ورزش با آنچه که ذکر شد، بسیار متفاوت است. به موجب ماده R43 آرای صادره توسط شعبه داوری عادی محرمانه بوده و به جز با توافق طرفین یا تصمیم رئیس شعبه، قابل انتشار نیست. بنابراین، حتی در داوری‌های شعبه عادی که عمدتاً مبتنی بر اراده طرف‌های اختلاف است، نیز تصمیم دیوان می‌تواند با نادیده‌گرفتن توافق آنان منجر به انتشار یا عدم انتشار آرا شود.

در دعاوی تجدیدنظر نیز با توافق طرف‌های اختلاف، دیوان مؤلف به عدم انتشار آرای تجدیدنظر است. امری که با توجه به تمایل طبیعی برنده دعا به بهره‌برداری از پیروزی خود، در سیاق داوری‌های ورزشی امری بسیار بعید به نظر می‌رسد. با این حال، به موجب آمار منتشر شده در سال ۲۰۱۶، دیوان از سال ۱۹۸۶ پذیرای ۵۰۵۷ درخواست رسیدگی بوده که از این میان در ۳۱۲۳ قضیه به صدور رأی یا نظر مشورتی مبادرت کرده است.^۱ این در حالی است که تعداد آرای منتشره در وبسایت دیوان تا پایان سال ۲۰۱۶ برابر با ۱۵۶۷، یعنی حدود ۵۰ درصد از کلیه آرای صادره بوده است. این عدد تا اکتبر ۲۰۲۰ برابر با ۱۹۶۰ است که با فرض انتشار تمامی آرای صادره توسط دیوان، طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰، همچنان به زحمت نیمی از آن را در بر می‌گیرد. به موجب مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۷ با تمرکز بر انتشار آرای شعبه تجدیدنظر از زمان تأسیس، یعنی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۳ انجام شد، میانگین آرای منتشر شده صادره توسط شعبه تجدیدنظر به زحمت به ۳۰ درصد می‌رسد. طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ به طور میانگین تنها ۱۷.۵ درصد از آرای صادره توسط شعبه تجدیدنظر منتشر شده‌اند.^۲ به همین دلیل، چنین به نظر می‌رسد که دیوان داوری ورزش علاوه بر عدم برگزاری علنی رسیدگی‌ها، در زمینه اعلان و انتشار عمومی آرا نیز دچار ضعف‌های جدی است.

1. See https://www.tas-cas.org/fileadmin/user_upload/CAS_statistics_2016_.pdf (accessed April 2020).

2. Spera, Saverio, **Time for Transparency at the CAS**, 31 January 2017, available at <https://www.asser.nl> (accessed August 2020).

نتیجه گیری

رسیدگی نزد دیوان داوری ورزش که در حال حاضر به دیوان عالی جهانی ورزش تبدیل شده است، بی شک مزایای زیادی دارد. فارغ از ایجاد رویه نسبتاً متحدالشکل در اختلافات ورزشی در سطح بین‌المللی، دیوان اکنون به‌عنوان مرجعی تلقی می‌شود که تصمیمات آن در برابر همه اعضای جامعه ورزشی قابلیت استناد دارد.

در خصوص حق‌ها و تضمینات رویه‌ای نیز اگرچه عملکرد دیوان درباره برخی جنبه‌های دادرسی عادلانه، همچون حق بر شنیده‌شدن و اصل تناظر، مثبت ارزیابی می‌شود، رویکرد دیوان و مؤسسان آن در مواجهه با برخی جنبه‌های مهم و اساسی دادرسی عادلانه، همچون استقلال و بی‌طرفی یا برگزاری علنی رسیدگی‌ها به منزله انکار لزوم رعایت دادرسی عادلانه و مؤلفه‌های آن تلقی می‌شود.

اجبار ورزشکاران به پذیرش صلاحیت دیوان، تنها در صورت رعایت کامل و حداکثری حقوق رویه‌ای مندرج در اسناد حقوق بشری توجیه‌پذیر بوده، ناقض حق بر دادرسی عادلانه تلقی نخواهد شد. اگرچه سرعت عمل و نفس اقدامات انجام‌شده در رویارویی با اعتراضات و چالش‌ها، از جمله تأسیس شورا در واکنش به قضیه گاندل یا اصلاح اساسنامه در پاسخ به رأی دیوان اروپایی در قضیه پچستاین در زمره اقدامات مثبتی است که راه را برای برطرف‌ساختن ضعف‌های موجود در ساختار و عملکرد دیوان هموار می‌سازد، به‌هیچ‌عنوان در تضمین رعایت حق ورزشکاران بر دادرسی عادلانه کافی نبوده است.

نمود بیرونی عدم استقلال و بی‌طرفی دیوان نسبت کمیته بین‌المللی المپیک که با اصلاحات صورت‌گرفته جای خود را به کلیت نهادهای ورزشی عضو جنبش المپیک داده، همچنان مسئله‌ای است که حق‌های بشری ورزشکاران را به‌طور جدی در معرض خطر قرار می‌دهد. در خصوص برگزاری علنی رسیدگی‌ها و همچنین انتشار منظم و عمومی تمامی آرای صادره، به‌نظر می‌رسد اصرار دیوان در وفادار ماندن به سنت‌های داوری تجاری و در عین حال تلاش بر پیروی از چارچوب پیش‌بینی‌شده در اسناد حقوق بشری درباره علنی‌بودن رسیدگی‌ها، تأثیر بسیار اندکی بر رعایت این حقوق داشته‌باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. سیدفاطمی، سیدمحمد، *حقوق بشر در جهان معاصر؛ دفتر اول: درآمدی بر مباحث نظری؛ مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع*، تهران: نگاه معاصر، چاپ پنجم، ۱۳۹۶.
۲. سیدفاطمی، سیدمحمد، *حقوق بشر در جهان معاصر؛ دفتر دوم: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها*، تهران: شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۳. مافی، همایون، *تشریح بر قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران*، تهران: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، چاپ اول، ۱۳۹۵.

مقاله

۴. خدری، صالح، *دادرسی منصفانه در داوری تجاری بین‌المللی*، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، ۱۳۹۴، شماره ۲، صص ۵۴۰-۵۱۹.
۵. مافی، همایون و فراز شهلائی، *چالش‌های تأسیس دیوان ملی داوری ورزش: بررسی تطبیقی با دیوان داوری ورزش (CAS)*، پژوهش حقوق عمومی، ۱۳۹۶، شماره ۵۴، صص ۳۵-۶۲.
۶. ممتاز، جمشید و سیروس متوسل، *حق بر دادرسی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر*، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، ۱۳۹۵، شماره ۴، صص ۸۷۲-۸۵۵.
۷. یآوری، اسدالله، *از «دادرسی» تا «دادرسی منصفانه» تحول در مفهوم و قلمرو کلاسیک دادرسی و تضمینات آن*، تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۳، شماره ۶۸، صص ۲۳۸-۲۰۹.
۸. یآوری، اسدالله، *حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین*، حقوق اساسی، ۱۳۸۳، شماره ۲، صص ۲۸۹-۲۵۳.

ب) منابع انگلیسی

Books

9. Arroyo, Manuel, *Arbitration in Switzerland - The Practitioner's Guide*, 2nd Edition, Alphen aan den Rijn: Kluwer, 2018.
10. Harris, David et al., *Law of the ECHR*, 2nd Edition, New York: OUP, 2009.
11. Lindholm, Johan, *The CAS and its Jurisprudence: An Empirical Inquiry into Lex Sportiva*, The Hague: TMC, 2019.
12. Moses, Margaret, *The Principles and Practice of International Commercial Arbitration*, 2nd Ed., New York: CUP, 2012.
13. Nafzinger, James, *International Sports Law*, 2nd Edition, New York: Transnational, 2004.
14. Rigozzi, Antonio, *L'arbitrage international en matière de sport*, Basel: Helbing, 2005.
15. Tribunal Arbitral du Sport, *Conference International Droit et Sport*, Lausanne: TAS, 1993.

Articles and Book Chapters

16. Amorós, Agustín and Santiago Caffa, "Enforcement of CAS Awards: A General Review of the Available Options and its Particularities", *Football Legal*, 2015, pp. 138-143.
17. Blackshaw, Ian, "ADR and Sport: Settling Disputes Through the CAS, the FIFA DRC, and the WIPO Arbitration & Mediation Center", *MSLR*, Vol. 24, 2013, pp. 1-57.
18. Blackshaw, Ian, "CAS 92/A/63 GUNDEL v FEI", in: Anderson, Jack (ed.), *Leading Cases in Sports Law*, The Hague: TMC, 2013, pp. 65-74.
19. Besson, Sébastien, "Arbitration and Human Rights", *ASA Bulletin*, Vol. 3, 2006, pp. 400-416.
20. Dasser, Felix and Piotr Wójtowicz, "Challenges of Swiss Arbitral Awards - Updated and Extended Statistical Data as of 2017", *ASA Bulletin*, Vol. 36, 2018, pp. 276-294.
21. Downie, Rachelle, "Improving the Performance of Sport's Ultimate Umpire: Reforming the Governance of the CAS", *MJIL*, Vol. 12, 2011, pp. 315-344.
22. Hasler, Erika, "Back to the Future: The First CAS Arbitrators on CAS's First Award and Its Evolutions Since then", in: Duval, Antonie and Antonio Rigozzi (eds.), *YISA 2016*, The Hague: TMC, 2018, pp. 3-16.

23. Jaksic, Aleksander, "Procedural Guarantees of Human Rights in Arbitration Proceedings: A Still Unsettled Problem?", *JIA*, Vol. 24, 2007, pp. 159-172.
24. Kane, Darren, "Twenty Years On: An Evaluation of the CAS", *MJIL*, Vol. 4, 2003, pp. 611-635.
25. Kaufman, Stephen, "Issues in International Sports Arbitration", *BUIIJ*, Vol. 13, 1995, pp. 527-550.
26. Lukomski, Jan, "Arbitration Clauses in Sport Governing Bodies' Statutes: Consent or Constraint? Analysis from the Perspective of Article 6(1) of the ECHR", *ISLJ*, Vol. 13, 2013, pp. 60-70.
27. Netze, Stephan, "Appeals against Arbitral Awards by the CAS", *CAS Bulletin 2/2011*, 2011, pp. 19-25.
28. Poncet, Charles, "The Independence of the CAS", *EIAR*, Vol. 1, 2012, pp. 31-56.
29. Raber, Nancy, "Dispute Resolution in Olympic Sport: The CAS", *SHJSL*, Vol. 8, No. 1, 1998, pp. 75-98.
30. Rigozzi, Antonio, "Consent in Sports Arbitration: Its Multiple Aspect", in Geisinger, Elliot and Elena Trbaldo (eds.), *Sports Arbitration: A Coach for Other Players?*, New York: ASA, 2015, pp. 59-93.
31. Spera, Saverio, **Time for Transparency at the CAS**, 31 January 2017, available at <https://www.asser.nl/>
32. Schwaar, Gilbert, "CAS", *Olympic Review*, Vol. 309, 1993, p. 305.
33. Straubel, Michael, "Enhancing the Performance of the Doping Court: How the CAS Can Do Its Job Better", *LUCLJ*, Vol. 36, No. 4, 2005, pp. 1203-1272.

Judgments

34. ECmHR, *X v. Sweden*, 1959.
35. ECmHR, *Herbert Ofner and Alois Hopfinger v. Austria*, 1962.
36. ECtHR, *Golder v. UK*, 1975.
37. ECtHR, *Campbell and Fell v. UK*, 1984.
38. ECtHR, *Lithgow and Others v. UK*, 1986.
39. ECtHR, *De Geouffre de la Pradelle v. France*, 1992.
40. ECtHR, *Osman v. UK*, 1998.
41. ECtHR, *B. and P. v. UK*, 2001.
42. ECtHR, *Hirvisaari v. Finland*, 2001.
43. ECtHR, *Kress v. France*, 2001.
44. ECtHR, *Kreuz v. Poland*, 2001.

45. ECtHR, *Steel and Morris v. UK*, 2005.
46. ECtHR, *Marini v. Albania*, 2008.
47. ECtHR, *Transado-Transportes Fluviais do Sado, S.A., v. Portugal*, 2013.
48. ECtHR, *Suda v. Czech Republic*, 2010.
49. ECtHR, *Tabbane v. Switzerland*, 2016.
50. ECtHR, *Regner v. Czech Republic*, 2017.
51. ECtHR, *Mutu and Pechstein v. Switzerland*, 2018.
52. ECtHR, *Ramos Nunes de Carvalho e Sá v. Portugal*, 2018.
53. SFT, *ATF 119 II 271*, 1993.
54. SFT, *ATF 129 III 445*, 2003.
55. SFT, *ATF 133 III 235*, 2007.
56. SFT, *4A_234/2010*, 2010.
57. SFT, *4A_612/2009*, 2010.
58. SFT, *4A_238/2011*, 2012.
59. SFT, *4A_246/2014*, 2015.
60. SFT, *4A_384/2017*, 2017.
61. SFT, *4A_432/2017*, 2018.
62. SFT, *4A_318/2020*, 2020.

Awards

63. CAS, *2016/A/4554*, 2017.
64. CAS, *2019/A/6148*, 2020.

Documents

65. Agreement concerning the Constitution of the ICAS, 22 June 1994.
66. European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, 1950.
67. FIFA Statutes, June 2019.
68. International Covenant on Civil and Political Rights, 1966.
69. International Council of Arbitration for Sport, *Code of Sports-related Arbitration*, in force as from 01 January 2021.
70. Loi fédérale sur le droit international privé, 1987.
71. UNESCO, UN Doc. E/CN.4/1995/39, 1995.
72. Universal Declaration of Human Rights, 1948.

Media Release

73. CAS, *CAS Public Hearing - WADA v. Sun Yang & FINA*, Media Release, 2019.

Website

74. <https://www.tas-cas.org/>